

معرفی دو بانوی واقف دوره قاجار شهر زنجان

پرستو قاسمی اندرود

چکیده:

سنت دیرپای وقف

به معنای صرف نمودن مال و ملک شخصی که منفعت آن در امور خیریه و یا هر نیتی که واقف داشته باشد انجام می‌گیرد. اکثر واقفان در دوره قاجار خانه، مغازه و یا هر ملک دیگری که داشته‌اند را صرف رسیدگی و اطعام ایتام، عزاداری ایام محرم و یا رواج مدارس علمیه نموده‌اند. زنان واقف این دوره، یا از اموال شخصی خویش و یا اموال ارثی همسرشان در راهی که نیت کرده بودند وقف می‌کردند. این اموال در دو شکل منقول شامل ظروف مسی، قالیچه، گلیم و کتب ادعیه، قرآن خطی، شمعدان و ... غیر منقول شامل خانه، مغازه، بخشی از روستا و ... بود. در این مقاله دو وقفنامه، یکی وقفنامه نرجس خاتون دختر آقاخان مظفرالدوله در خصوص قریه آملو زنجان و دیگری وقفنامه جمیله خانم ذوالفقاری مربوط به مسجد خانم زنجان که بانی آن نیز ایشان بوده است بازخوانی می‌گردد و این دو بانوی واقف به اختصار معرفی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها:

وقفنامه، زنجان، دوره قاجار، زنان واقف، قریه آملو، مسجد خانم.

مقدمه:

زنان در ادوار تاریخی به عنوان نیمی از جامعه در عرصه‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حضور موثری داشته‌اند اما به دلایل خاص نقش آنان آن طور که باید شناسانده نشده است و اغلب خدمات آنان به فراموشی سپرده شده است. یکی از عرصه‌هایی که نقش زنان هر چند کم ولی پررنگ بوده عرصه وقف به عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی است. در دوره سلجوقی شاهزاده ترکان خاتون چندین جلد قرآن را وقف آستان قدس رضوی نموده است. همین طور مدرسه چهارباغ اصفهان که به دستور مادر شاه سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۱۴ هـ. ق ساخته شده و یا مسجد با شکوه گوهرشاد که در سال ۸۲۱ هـ. ق به درخواست ملکه گوهرشاد بیگم همسر شاهرخ تیموری ساخته شده است نشان حضور مقتدرانه زنان ایران زمین در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه بوده است. در کتیبه‌ها و وقفنامه‌های زنجان هم نام بلغان خانون در کتیبه سنگی بقعه قیدار نبی (علیه السلام) و جمیله خانم و نرجس خانم در وقفنامه‌ها دیده شده است.

وقفنامه شماره ۱:

وقفنامه متعلق به روستای آملو از توابع بخش زنجانرود، شهرستان زنجان به تاریخ ۲۹ شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۱۴ هـ. ق (دوره حکومتی مظفرالدین شاه قاجار) که واقف آن نرجس خاتون دختر آقاخان مظفرالدوله است. مادر نرجس خاتون معصومه خانم معروف به شاهزاده خانم دختر محسن میرزا میر آخور ابن عبدالله میرزا دارا بود. نرجس خاتون ملقب به امیر زاده خانم همسر دوم امیر محمد خان مظفرالسلطنه است. در ضمن ایشان از خاندان مظفری‌ها که شاخه‌ای از خاندان خطیبی‌های زنجان می‌باشند^۱.

بعد از پی‌گیری‌های فراوان رونوشت اصل به تأیید اداره اوقاف زنجان با تلاش محقق ارجمند آقای بهمن خطیبی به دست اینجانب رسید. بر اساس پی‌گیری

- ۲/ که بقاء و خلود بحسب اقتضای طبع امکانی بجهت فردی از افراد انسانی نخواهد بود مگر بایفای خیرات حسان ابقای
- ۳/ علامت و نشان که از همم عالیه ارباب نعمت و دولت حاکی و از مکارم والیه اصحاب ثروت و مکتت راوی باشند
- ۴/ فلذا در تاریخ نهم شهر ذیحجه الحرام سنه هزار و سیصد هجری سعادت سرمدی شامل حال فرخنده
- ۵/ مآل نتیجه دودمان رفعت و جلالت و نخبه بارگاه عزت و منالت ثمره شجره اجلال و کوکب سماء اجلال مخدره حجاب
- ۶/ عفت و طهارت و مستور نقاب رفعت و خدارت نرجس خاتون الشهیر بامیر زاده خانم صبیبه محترمه حضرت
- ۷/ مستطاب اجل اکرم امر الامراء العظام معتمد السلطان و موتمن الخاقان آقای مظفرالدوله ادام اله اقباله العالی
- ۸/ شده وقف موبد شرعی و حبس مخلد ملی اسلامی نمود همگی و تمامی مساحت ششدانگ ملک قریه آمالو را با کلیه
- ۹/ توابع و لواحق و ضمایم شرعیه و عرفیه بحیث لا یستثنی منها شیء سواء رقم ام لم یرقم المحدوده بحدودها المفصله
- ۱۰/ فی الذیل بر حضرت خامس آل عبا شرقا ملک قریه نیک پی، غربا ملک قریه صیف آباد، جنوبا ملک قریه
- ۱۱/ علی آباد، شمالا ملک قریه اوینه دان علیه آلاف التحیه و الثناکه منافع او را در تعزیه داری و در اعانت
- ۱۲/ فقیر و زائر صرف و خرج شود و تولیت او را مادام الحیوه مفوض و مرجوع بخود نموده و بعد اولاد ذکور خود نسلا
- ۱۳/ بعد نسل و اگر خدا نخواسته منقرض باشد باولاد اناث باشد و اگر خدا نخواسته اولاد اناث هم منقرض باشد

۱۴/ با اعلم علماء زنجان باشد الی ان یرث الہ الارض و ثواب اورا راجع و واگذار نمود بوالد ماجد معظم الیہ و بعد

۱۵/ بوالدہ مرحومہ مغفورہ مبرورہ امیر زادہ خانم و ہمشیہ مغفورہ اش فاطمہ خانم طاب ثراہ ہما و بخود واقفہ معزی الیہا

۱۶/ و صیغہ وقف صحیح شرعی کما سطر جاری گردیدہ و عمل بوقف شد فمن بدلہ بعدما سمعہ فانما اثمہ علی

۱۷/ الذین یدلونہ و کان ذالک تحریرا فی تاریخ الفوق بسم الہ الرحمن الرحیم قد تہیہ العلامان الحاج الملا عبد

۱۸/ الواسع و الاخوند الملا یوسف بما فیہ لدی مع تہیہ اعترفہا بوقف و مالوقف فی ۲۹ شہر ذی

۱۹/ قعدہ الحرام سنہ ۱۳۱۴

ہامش:

* مہر با سجع الواثق باللہ الغنی عبدہ قربانعلی

ساختار وقفنامہ نرجس خاتون بہ تاریخ سنہ ۱۳۱۴ ہ. ق

ترتیب اجزای متن	عبارت
۱. بسملہ	-
۲. مشخصات واقف	نرجس خاتون الشہیر بامیرزادہ خانم صبیہ آقای مظفر الدولہ
۳. اظہار صیغہ	وقف موبد شرعی و حبس مخلد ملی اسلامی نمود

ترتیب اجزای متن	عبارت
۴. موقوفه و حدود اربعه آن	همگی و تمامی مساحت ششدانگ ملک قریه آملو را با کلیه توابع و ضمایم شرعیه و عرفیه بحیث لایستنی منها شئیء سواء رقم املم یرقم المحدوده بحدوده ها شرقیا ملک قریه نیک پی، غربا ملک قریه صیف آباد، جنوبا ملک قریه علی آباد، شمالیا ملک قریه اوینه دان
۵. مخارج	که منافع او را در تعزیه داری او و در اعانت فقیر و زائر صرف و خرج شود
۶. متولی	تولیت او را مادام الحیوه مفوض و مرجوع بخود نموده
۷. متولی در صورت انقراض نسل	اگر خدای نخواستہ اولاد ذکور منقرض شد با اولاد اناث است و اگر آن هم منقرض شد با اعلم علماء زنجان باشد
۸. الفاظ تشریفاتی دال بر وقوع عقد	و صیغه وقف صحیح شرعی کما سطر جاری گردید و عمل بوقف شد
۹. انذار	فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمہ علی الذین بیدلونه
۱۰. تاریخ تحریر	فی ۲۹ شهر ذی قعدہ الحرام سنہ ۱۳۱۴

وقفنامه شماره ۲:

وقفنامه مسجدخانم به صورت طوماری در ابعاد ۲۲×۱۷۵ سانتی متر که در ۱۱۱ سطر به خط زیبای نسخ و نستعلیق نوشته شده و دور تا دور نوشته با جدول و شمسه بالای سند تذهیب کاری شده و ۱۴ نفر مهر تأیید بر سند زده ولی بازخوانی ۱۱ مهر میسر و بقیه مهرها ناخوانا و یا کمرنگ بودند. (با تشکر فراوان از آقای محمد حسین ذوالفقاری که سند وقفنامه را در اختیار اینجانب قرار دادند.)

مسجد خانم:

مسجد خانم زنجان در بافت تاریخی و در کوچه فخیم الدوله قرار دارد. این مسجد به نام واقف آن جمیله خانم به نام مسجد خانم معروف است. بنا توسط استاد اسماعیل بنا ساخته شده و مشتمل بر سردر ورودی با دو مناره کوتاه، صحن، شبستان تابستانی و زمستانی، حجره های متعدد و تزئینات زیبای کاشی کاری مختص دوره قاجار است. مناره های بنا قابل مقایسه با مدرسه سپهسالار تهران است. کلیه نقوش و تزئینات بنا به سبک دوره قاجار و بیشتر از رنگ های زرد، سیاه، فیروزه ای و سفید استفاده شده است. کتیبه سردر ورودی بنا کاشی کاری و به تاریخ ۱۳۲۲ هـ. ق است. این مسجد در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۴ به شماره ۱۰۵۵ ثبت در فهرست آثار تاریخی کشور شده است.



ورودی مسجد خانم و تزئینات کاشی در سردر



حیاط و مناره های مسجد خانم

باز خوانی وقفنامه مرحومه مبروره جمیله خانم بنت مرحوم مغفور حسینقلی خان

هوالواقف علی الضمائر و السرائر

بسم الله الرحمن الرحيم

۱/ الحمد لله كما هو اهله و كلمارام ملكه و لاحمد لاحد الاله الا له الامى و الهكم

الهو احد لاله الا هو

۲/ على علوه و عم الاوه هو الله الواحد الاحد الورود السامع الصمد لامدرك لسمواه

لامدرك لعلوه

۳/ لا وله له لهو ولا وهم ولا سهو مهد المهار سواء الطور والوهار له الحمد مدار كلمه

و دوام ملكه

۴/ و علمه والسلام الاكرم رسله ارسله ادلا لالحكمه محمد رسوله و ادل معلومه

لادرس له و هو مدرس

۵/ مدرس کل العلوم ما سئل احدا وکل الاسرار صارله معلوما هو محلل الحلال و محرم الحرام و اله

۶/ العلماء الاعلام الارکاء الکرام اولهم حامل لواء الحمد و اکملهم عمل اوالی و العصر لعهد

۷/ و بعد

۸/ ستایش بی آایش که اهل اخلاص با خلوص نیت و صفاء طویت^۲ اهداء بارگاه صمدیت نمایند و سپاس بلند اساسی که ارباب اختصاص درغایت^۳

۹/ خضوع و خشوع مشخص درگاه احدیت دانند مخصوص پروردگار احد صمدیست که وقوف واقفان مواقف صوامع^۴ عالم ملکوت دربنده گی و اطاعت اواست

۱۰/ و سجود ماجدان مساجد و معابد اقلیم جبروت^۵ بر پیشگاه بارگاه جلال و بزرگی او مبدعی که ابنیه رفیعه افلاک از چاپکدستی معمار قدرت

۱۱/ کاملا او کمتر نمونه ایست و عجائبات مختلفه مرکز خاک از ذخائر صنایع بی منتهای حکمت شامله اودادنی نمونه بانی امرش باشاره سرانگشت کس طاق

۱۲/ مقرنس آسمان معلی را با زینت و لقد زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب افراشته و فرش ملون زمین را بانواع تزئین

۱۳/ و لقد خلقنا الارض و جعلناکم فیها فجاجا سبلا لعلکم تهتدون نگاشته و درود نامعدود و سلام و صلواه

۱۴/ نا محدود بر مقتدای نبیین و امام المرسلین و رحمت العالمین مصداق کلام صدق انتظام

کنت نبیا و آدم بین الماء والطين

۱۵/ آنکه بی مشقت درس و تعلیم معلم علوم اولین و آخرین و بدون تحمل کلفت تعلیم و تعلم و تدرس مدرس مدرس طبقه کرویین آمد علت غائی ایجاد جمیع

۱۶/ ممکنات ارقبه افلاک تاخطه خاک برهان مبین لولاک لما خلقتنا الافلاک مقدم

- در تجلی بحلیه وجود موخر در تجلی نور ظهور
- ۱۷/ بعالم شهود منعت به نعت انک لعلی خلق عظیم موصوف بوصف انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم مژده ده
- ۱۸/ قدوم بجهت لزومش مسیح بقوله انی مبشر برسول یاتی من بعدی اسمه احمد المکرم الاکرم الممجد الا
- ۱۹/ مجد النبی الامی العربی الهاشمی المصطفی محمد صلی الله علیه واله و برآل اطهار و اولاد ابرار
- ۲۰/ اخیارش مصادیق کریمه و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا مدرس مدارس و علمناهم من لدنا النجباء
- ۲۱/ النقباء النجباء الاتقیاء الازکیاء الاولیاء الاوصیاء الاصفیاء العلماء العظماء الکرماء الفصحاء
- ۲۲/ البلغاء الرساء الامراء الشفعاء الشهداء السعداء الفقهاء الصلحاء الرماء الشجعاء الا
- ۲۳/ کفاء الحنفاء الظرفاء العتقاء الطلقاء الکبراء الندراء النظراء الخلفاء الشرفاء العقلاء البدلاء
- ۲۴/ الرفقاء السفراء الادباء الاحباء الاجلاء الارلاء الکرماء سلاما رائما ابدا سرمدا
- ۲۵/ متعالیا متولیا متواترا متکاثرا متظافرا متضاعفا الی یوم القیمه و بعد
- ۲۶/ برابراب فطانت^۶ و ذکاء واصحاب کیاست و صفا مخفی نیست که به مفادنص صریح الدنیا مزرعه الاحق
- ۲۷/ هرکه دراین سرای عاریت همت بر اصدار اعمال شایسته گماشت و پنج روزه زندگی را به کردار نیک مصروف داشت
- ۲۸/ و در این مزرعه هر چه زودتر تخم نیکویی کاشت و مادام الاختیار بنای رفیع درنیک نامی افراشت و ذخیره آخرت او مهیا شد
- ۲۹/ و مقام او در دار خلد که تغیر و زوالی در آن نیست معین گردید فطوبی له و حسن ماب سیما بانیان ابنیه رفیعها

- ۳۰/ ابواب البر و بقاع بقاع الخیر که عهدی و آمدی مدید بر صفحه روزگار ناپایدار پایدار و برقرار و بمصدق صحیحه
- ۳۱/ ثلثه فی قبورهم و اعمالهم فی دیوانهم بعد از فوت و پس از موت نیز انا فانا فیض واصل ولا
- ۳۲/ ینقطع ثمر آن به تجدید متواصل آید خصوصا بنای مساجد و معابد که نظریه حدیث صحیح من بنی مسجدا کمفحص قطاه
- ۳۳/ بنی الله له بیتا فی الجنه^۷ عوض آن مستحق الوقوع در جنت عدن است لهم فیها النعمیم مقیم سعادت مند آنکه این توفیقات
- ۳۴/ رفیق او گردد و بلند مرتبه کسبیکه این سعادت ابدیت را دریابد و ذلک فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذو
- ۳۵/ الفضل العظیم مصداق این مقال حال فرخ مال علیا جاه مخدره محترمه نجیبه علیه زین المستورات تاج المخدرات العفیفه
- ۳۶/ جمیله خانم دامت عفتها وزیدت توفیقاتها صبیبه مرضیه رضوان معان علیتین آشیان طوبی مکان حسینقلی خان طاب ثراه که توفیقات ابدیه و تأییدات
- ۳۷/ سرمدیه شامل حال و کامل احوال آن مخدره محترمه گردیده مسجد و مدرسه در طرف جنوب دولتخانه نزدیکی عمارت خود احداث و بنیاد فرموده بانضمام یک باب
- ۳۸/ مدرس در جنب مسجد و مدرسه متصل به همدیگر بعون اله تعالی و حسن توفیقاته و محاسن تأییداته درغایت استحکام و نهایت اهتمام صورت انجام و اتمام پذیرفت
- ۳۹/ که فی الواقع بنائست چون عهد اهل وفا و وفاق مستحکم و متین و مانند توافق ارباب اتفاق با اجزاء و ارکانی بس
- ۴۰/ موافق و زرین چون کلام فصحاء مختصر و ملیح و همچون منظر شهداء دلگشا و صبیح وقف موبد شرعی و حبس مخلد اسلامی نمود
- ۴۱/ قربه الی الله و نیلا لمثوباتها العظمی و طلبا لمرضاته القصوی برکافه اهل اسلام

از متشبهان باذیال ائمه انام علیهم السلام الله

۴۲/ المهیمن السلام اما للمسجد فللمصلین الذین هم فی صلواتهم خاشعون و اما المدرسه فلمحصلی العلوم

۴۳/ لیتفقوها فی الدین و لینذرو اقومهم اذارجعوا لیهم لعلمهم یحذرون و اما المدرس ایضا فلمحصلی العلوم

۴۴/ تدریسا و تدرسا تعلما و تعلما للتفقه والانذار و از اینکه از لوازم است تعیین شخص امین صالح متورع دانای کامل که متصدی

۴۵/ امور متعلقه بان در اتق و فاتق و آمر و ناهی و متولی تقسیم وظایف و مباشر تجدید اساس و تعمیر در حین اندر این باشد و آنکه مصداق عدالت

۴۶/ و ما صدق کیاست و فطانت بوده از نسل و اعقاب واقفه محترمه موفقه منحصر فی قضاالله و قدره و علیا جاه المخدره المحترمه العلیته العالیه النجیبه

۴۷/ المستوره تاج المخدرات قمر تاج خانم دامت عفتها و شوکتها صبیبه مرضیه علیین آشیان طوبی مکان رضا قلیخان فخیم الدوله طاب اله ثراه

۴۸/ تولیت آنرا مفوض و محول نمود من جمیع الجهات و من حیث الوجوه بمعظم الیها که از هر جهت و هر حیثیت مختاره و صاحب اختیار باشد

۴۹/ یعنی هر کس را قابل و عادل داند و سزاوار امامت و نماز جماعت در مسجد منصوب فرمایند که بامامت مسلمانان قیام نماید و بقدریکه

۵۰/ صلاح و قابل داند از مداخل موقوفات که تفصیل آن خواهد آمد بجهت او مقرر دارد و مدرسی بجهت تدریس و تعلیم معین نماید و وظیفه

۵۱/ نیز بجهت او و هکذا موذن و خادم و متصدی امورات مدرسه و سالیانه ایشان و هر حجره را دو نفر اصل

۵۲/ که قابل و استعداد تعلیم و تعلم و تدریس و تدرس داشته باشند طلبه و صاحب است استمراری و وظیفه قرار بدهند

۵۳/ بشرط بیتوته که شبها در مدرسه مانده مشغول مطالعه و تحصیل بوده تغافل از درس و بحث خود ننموده مدرسه را منزل و گذران

- ۵۴/ امر معیشت خود قرار ندهند گاه گاهی آمده و حجره نشسته ساعتی بعنوان تحصیل مشغول بود بعد در حجره را قفل زده مانع از طلبه قابل
- ۵۵/ و صاحب قوه و استعداد کردند و در هر پنج سال تجربه و امتحان طلاب و محصلین مدرسه و اخراج غیر قابل و ادخال قابل با ملاحظه عدم ادخال بوده و شرار آن
- ۵۶/ و اخراج آن شرط اعظم بوده و میباشد و یک نفر فرع مگر آنکه صلاح در زیادتر یا کمتر داند و سالیانه و یا ماهیانه یا یومیه غایتی المراد
- ۵۷/ و نهایتی المقصود فی تلک المواد آنکه کل اوامر و نواهی و منع و خبر و اذن و رخصت و ادخال و اخراج و عزل
- ۵۸/ و نصب و خط و یا سطرا و جمعا از حیثیت مدرسه و مسجد موقوف و مرجوع برای زرین و صلاح و مستحکم معظم الیها
- ۵۹/ میباشد دون مایستثنی احدا و یقصد اخراج شیء من امرها و نهیها و منعها و زجرها و ایصالها و امتناعها
- ۶۰/ و غیر ذالک مما حرر اولم یحرر و زبر ام لم یزبر و ایضا وقف موبد و حبس مخلد دائم فرمود خالصا
- ۶۱/ لوجهه الکریم و استجلا بالنواله الجسیم املاک همگی و تمامی مفصله مشخصه معینه محرره ضمن را بجهت وظایف مذکوره
- ۶۲/ مساحت یک دانگ ملک از جمله دو دانگ مفروز از شش دانگ قریه سهرین من قراء زنجانرود خمسه
- ۶۳/ باکافه منضما و قاطبه حقوقات از دهکده و بیوتات و عمارات و تلال و جبال و عیون و انهار بهر اسم که باشد و حدائق
- ۶۴/ و اشجار مثمره و غیر مثمره و کهول و کهوف و زاغه و مرايض احشام و اغنام و یونجه زار و علفخوار و چمن
- ۶۵/ و مزارع متصله و غیر مستقله بای اسم رسمت او سمیت و اراضی مائیه و دیمییه که فعلا از مزارع و اراضی

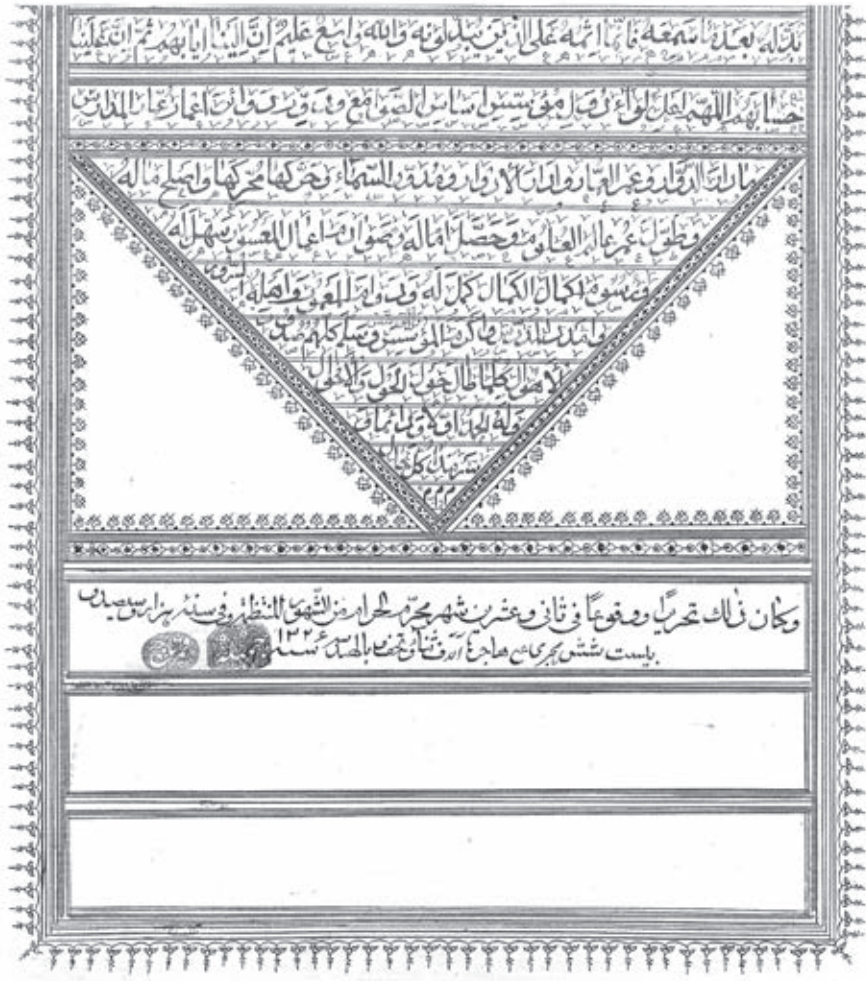
- ۶۶/ قریه مرقومه محسوب بوده و می باشد مستقلا باسمى نامیده شده و بیلاقات بهر اسم که باشد رفیعا و بیداء و باغات
- ۶۷/ مشجر و معنب و طواحین معموره و مخروبه بای اسم سمیت و محل طواحین^۸ و قطعات بهر اسم که موسوم گردیده و کلما
- ۶۸/ يتعلق بها علی الرسم القديم والوضع المتعارف بحیث لایستنی منهاشیئ سواء سطرنها ام لم یسطرو ذکر ام لم یذکر
- ۶۹/ درحالتی که مساحت مرقومه با مزارعات و ملحقات و مضافات آن هر یک محدود بحدود اربعه معینه مشخصه معروفه بوده
- ۷۰/ مستغنی از تحدید حدود می باشد در وجه حضرات مسطوره و بمصارف و مخارج مدرسه و مسجد
- ۷۱/ و خرج تعمیر بمقتضای مصلحت و صواب دیده متولیه دامت توفیقاتها چنانی که سابقا ذکر یافت که همچون روح درملک بدن
- ۷۲/ یا نازل منزله عقل کل که مدبران عالم اصغر و اکبرند درصورت عدم استقلال از جزوی و کلی متضمن ۷۳/ مفاسد عظیمه خواهد بود و درصورت اطلاق اختیار او ابصر است بصحت و سقم امور و قدر قابلیت هرکس باین کیفیت
- ۷۴/ که مادام مسجد و مدرسه را احتیاج بتعمیر نیست کل مداخل و منافع املاک و طواحین را بموجب تفضیل ذیل صرف وظیفه
- ۷۵/ امام و طلاب و محصلین و مدرس و مدرسه و موذن و خادم و مکبر و متصدی و مباشر دخل و خرج و سایر مباشران و کارکنان
- ۷۶/ که ضرور و درکار باشند امام جماعات گندم سه خروار نقد دوازده تومان طلاب و محصلین مدرسه که دوازده حجره میباشد
- ۷۷/ و در هر حجره دو نفر اصل که بیست چهار نفر می شود بهر یکی یک خروار گندم و چهار تومان نقد که عبارت باشد از بیست چهار خروار گندم
- ۷۸/ و نود شش تومان نقد متصدی امور مدرسه گندم سه خروار و دوازده تومان نقد موذن و خادم گندم دو خروار

- ۷۹/ نقد هشت تومان روشنایی مسجد دوازده تومان برف انداز و مکبر و پارو جاروب نقد ده تومان روشنایی دوازده حجره
- ۸۰/ دوازده تومان و وجه گذران طلاب باقل مایقنغ هر قدر بهرکس مصلحت داند بقدر ضرورتهم و معاشهم علی قدر مراتبهم و زیهم مقدم بر سایر مصارف داشته برساند و از اینکه
- ۸۱/ تشخیص حق التولیه بجهات عدیده از لوازم و تعیین آن باواقفه است مقدار مبلغ مفصله معینه که عبارتست از عشر محصول و ماحصل و مداخل و منافع
- ۸۲/ کل مفصلات فوق یعنی بعبارہ واضحہ ده یک حنس و نقد حاصل از املاک موقوفه بامضاء واقفه محترمه از جهت متولیه معظمه دامت عفتها معین گردید
- ۸۳/ و هرگاه فاضلی نیز بماند بعد از اخراج حق التولیه و ایصال بهمه اینها متولیه محترمه مختاره است باین معنی که دهه عاشورا و ایام شبهای
- ۸۴/ قدر ماه مبارک رمضان را تعزیه‌داری نماید در مسجد و یا مدرس صرف قلیان و جای و قهوه شود مگر آنکه صلاح مقتضی زیاده از اینها باشد اگر
- ۸۵/ فاضلی بعد از اخراج و مصارف محرره در فوق نیز بماند کتب علمیه ابتیاع کرده بشخص امین متورع باتقوی محول و مرجوع داشته بموجب ثبت به محتاجین از محصلین
- ۸۶/ مدرسه داده بشرطی که از مدرسه خارج نمایند و در هر ماهی و سالی بنظر همان شخص امین رسانده تجدید اذن و نظری نمایند و اگر ظروف لازمی محتاج الیه طلبه باشد مقرر فرمایند
- ۸۷/ گرفته بدهند در صورت زیاتسی محصل و منافع املاک مسطورہ از تمامی اخراجات و مصارف مفصله مشروحه در فوق زیادی رامتولی محترمه در هر سالی جمع کرده ملک ابتیاع
- ۸۸/ کرده محصول و منافع اورا هم در مصارف و مخارج مسجد و مدرسه کما حرر و سطر فی الفوق مصروف فرمایند و بعد از آنکه احتیاج بتعمیر افتاد اگر سالی است که معیشت بر مردم فراخ و نرخها



- ۸۹/ ارزان است مداخل موقوفات را بمصرف تعمیر برسانند الا حق التولیه خود و وظیفه امام و مدرس و موذن و خادم و طلاب و هرگاه برخلاف ماذکره العیاذ بالله سالیست
- ۹۰/ که معشیت تنگ است و نرخها گران است نصف مداخل را بمصرف تعمیر مصروف دارند و نصف دیگر را بحضرات مذکوره
- ۹۱/ و طلبه تقسیم فرمایند و هرچیکه در آبادی رعیت موقوفه و خود موقوفه ازهر جهت و ازهر حیث لازم داشته باشد و محتاج الیه است مراعات فرموده در آبادی استنکاف و مسامحه نفرمایند

- ۹۲/ و صیغه وقف بر تمامی موقوفات فردا بر فردا بر هر یک جداگانه و علائحه وقوع و جریان یافت و اقباض بمتولیه محترمه گردید
- ۹۳/ و او قبض و ضبط شرعی کرد و بعمل او رد و عمل بوقفیت فرموده هر یک از موقوف علیهم خطی که بالفعل میبایست برساند رسانیدند
- ۹۴/ و کل شرایط صحت و لزوم و ملزومات شرعیه معمول شد و قفا خاصا صحیحا شرعیاً اسلامیاً بحیث لایمکن التغیر والتبدل للواقفه و لا
- ۹۵/ لاحد غیرها عاجلاً ام اجلاً حالا او استقبالا و بعد از متولیه محترمه حرسها اله تعالی مفوض باورع و اصلح و اتقی اولاد او است
- ۹۶/ و هکذا نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن اولاد ذکور مقدم بر اولاد اناث است در صورت انقراض العیان بالله یاعدم عدالت و صلاحیت ایشان من متولیه
- ۹۷/ راست که در حال حیات خود شخص امین متدین عادل صالح را که شایسته و برازنده امرتولیت باشد و داند نصب و تعیین نماید
- ۹۸/ که بعد فوتها مباشر این امور باشد و هکذا آن شخص نیز این قاعده را مرعی دارد و هکذا هر متولی در عهد و اوان و هر عصر و زمان
- ۹۹/ و هر یک از متولیه در هر عهد و عصر اگر شایسته هر سه منصب باشد یعنی تولیت و امامت و تدریس او اولی است از غیر در صورتیکه
- ۱۰۰/ هر سه را مباشر شود سه وظیفه حظ او باشد و اگر منصب دو وظیفه نیز دو و اگر یک مگر در سال تعمیر که صاحب سه منصب و دو منصب به نصف مانع شود خلاصه
- ۱۰۱/ برای واقفه محترمه موفقه دامت عفتها مادام الحیواه تولیت قرار و معین شده که تصرف و مداخله در امورات مشروحه الفوق
- ۱۰۲/ نماید بعد فوتها صبیبه مرضیه محترمه واقفه معظمه راست استقلالاً تصرف و مداخله در تمامی امورات محرره مشروحه در فوق فمن
- ۱۰۳/ بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه والله واسع علیم ان الینا ایابهم ثم ان علینا



- ۱۰۴ / حسابه الله اعلم لو ادول موسس اساس الصوامع و دور دواير اعمار عمار المدارس
- ۱۰۵ / ما دار الدوار و عمر العمار والدار الدوار و مدور السماء و حركها محركها و اصلح ماله
- ۱۰۶ / و طول عمر عالم العلوم و حصل آماله و صوامع اعمال المعسوره سهل له
- ۱۰۷ / و رسوم اكمال الكمال كمل له و دوام المعمور و اهلها السور
- ۱۰۸ / و امدد المدرس و اكرم موسس و سلم كلهم صدور

۱۰۹/ الاهو الكلما طال حول الحول والاحوال

۱۱۰/ و له الحمد اولا و دائما و

۱۱۱/ سرمد اكل حال

وكان ذلك تحريرا و وقوعا فى ثانى و عشرين شهر محرم الحرام من شهر
المنتظمه و فى سنه هزار و سيصد و بيست و شش هجرى على هاجرها الاف الثناء
و تحف با الهندسه سنه ۱۳۲۶

مهر ۸ گوشه باسجع جميله، مهر بيضى شكل با سجع قمر تاج

هامش:

۱. بسم الله خير الاسماء الحمد لله الواعلى الضمائر و السرائر و الصلوه على محمد
المبعوث على القبائل و العشائر و آله و بعد المكرمين المنزهين عن الكبائر و
الصغائر قد حصل الوقو بحد الاوقاف و شرائطها فيه المقرره المرقومه المحتويه
بكافه لوان مها فى الصحه و اللزوم و خلقها من النواقص و النوقص و الواقفه
بمالها و مالها بالوقف الموبد و الحبس المخلد حسبما زبر فى تلك الصحيفه
الصحيحه فى ثانى و عشرين شهر محرم الحرام و فى سنه ۱۳۲۶، مهر بيضى شكل
با خط نسخ، عبده قوام الدين الموسوى






۲. بسم اله خير الاسماء اله الحمد اله والصلوه على النبى المرسل واله الاطهار بعد
از تحقيق توكيل از مخدره محترمه عليه جميله خانم بنت المرحوم المغفور
حسينقلى خان طاب ثراه عيال مرحوم رضا قلى خان فخييم الدوله طاب ثراه
صيغه وقف على مافصل فى الورقه اجرا گرديده و اقباض معتبر در وقف به
عبارت اخرى عمل به وقف هم باطلاع احقر شد مضافا بر متن بر حسب توكيل
واقفه محترمه در ضمن صيغه وقف جلال نظر و حق اطلاع و رسيدگى براى
جناب مستطاب فضائل نصاب سليل الاطياب آقا سيدقوام الدين قلتوقى سلمه
اله مادام الحياه قراردادده شد كه متولى محترمه عصر همه ساله باطلاع و تصويب

- ایشان برطبق تعیین واقفه عمل نماید و مخدره محترمه قمرتاج خانم صبیبه واقفه محترمه بعد از اطلاع تصدیق وقفیه و اعتراف بر صحت و وقت نموده و احتیاط امضاء هم نمود حرره الاحقر فی ۲۲ محرم الحرام ۱۳۲۶ لعن اله من بداله او احل
- *مهر مربع شکل با سجع عبده محمد الموسوی
۳. بسم اله تعالی قد جرت صیغه و الوقف الصحيح و الشرعی وکالت عن الواقفه المویده دامت شوکتها و طال بقائها علی حسب ما فصل و سطر فی الورقه من تعیین المتولی و الناظر تجدید الشروط و المصارف و غيرها من البدايه الى نهايه فی ۲۲ شهر محرم الحرام من شهور ۱۳۲۶ و ایضا قد صدر قبض الوقف والعمل علیه باطلاع من الاحقر فی التاريخ المزبور
- *مهر بیضی شکل با سجع الواثق بالله
۴. از همشیره مکرمه اقرار شنیدم در وقفیت یک دانگ از دودانگ قریه سهرین ملکی خود را
- *مهر بیضی شکل با سجع ذوالفقاربن حسینقلی
۵. صیغه وقف حسبما رقم فی الورقه جریان پذیرفته عمل به وقف هم شد حرر فی التاريخ
- *مهر بیضی شکل با سجع عبده احمد
۶. بسم اله تعالی حوته هذه الورقه الشریفه من الوقف والعمل به وجریان الصیغه معلی الشروط المقرره لاریب فیه
- *مهر بیضی شکل با سجع المذنب غلامرضا
۷. مسطورات متن و سجلات مرقومه مطابق اعتراف واقفه است و انا الاقل
- *مهر بیضی شکل با سجع علی الموسوی
۸. بسم اله العالم الواقف علی الاسرائر و ضمائر قد وقع الوقف والحبس فی العبارة المزبوره و اطاق المنفعه مع قاطبه الاحکام والشرايط المعتمره فی الشرع الانور فی الصحه و لزوم المقرره و هو کذالك و انا الاقل

*مهر بیضی شکل با سجع عبده محسن الموسوی
 ۹. هوالواقف علی کل حال قدجرت صیغه الواقفیه الصحیه الشرعیه بالعربیه
 والفارسیه علی علی الاسلوب المقرره و وقوع الوقف من الواقفه الموفقه مدلهما فی
 عمرها السعید والعیش الرغید یوم الوعید علی الشرایط العدید
 *مهر بیضی شکل با سجع عبده الراجی محمد صادق

مهرهای واقفانه مسجد خانم:

ردیف	تصویر مهر	سجع مهر	صاحب سند
۱		عبده قوام الدین الموسوی	-
۲		عبده الراجی محمد صادق	-
۳		الواثق بالله عبدالرحیم آقا میرزا عبدالرحیم ابن آخوند ملا محمد ماهانی زنگانی (فقاهتی))	-
۴		المذنب غلامرضا	-
۵		ذوالفقار بن حسینقلی برادر واقف به نام ذوالفقارخان اسعدالدوله اول	-
۶		عبده احمد	-

ردیف	تصویر مهر	سجع مهر	صاحب سند
۷		علی الموسوی	-
۸		العبد محمد الموسوی	-
۹		العبد محمد الموسوی	-
۱۰		جمیله	واقف
۱۱		قمرتاج	دختر واقف

معرفی واقف:

جمیله خانم دختر حسینقلی خان ناظم‌العداله ذوالفقاری و آسیه خانم دختر میرزا ابراهیم خان سرتیپ خمسه (مظفرالدوله) و همچنین خواهر ذوالفقارخان اسعدالدوله و همسر رضاقلی خان^۹ فخیم الدوله (پسر ابراهیم خان مظفرالدوله) بوده که پس از فوت همسرش از دارایی‌های وی در روبروی خانه‌اش در کوچه فخیم الدوله مسجد و مدرسه‌ای بنا کرد که مسجد بزرگ آن در سمت جنوبی و مدرسه مستقل با صحن و حجرات در کنار آن قرار گرفته و در سال ۱۳۲۶هـ.ق ساختمان آن پایان یافته و مطابق وقفنامه به تاریخ محرم ۱۳۲۶هـ.ق تولیت مسجد را با قید مباشرت خود مادام‌الحیات به تنها فرزندش قمرتاج خانم مظفری دختر مرحوم رضاقلی خان فخیم الدوله واگذار نمود که هر کس را قابل و عادل بداند سزاوار امام‌جماعت در مسجد منصوب فرماید و مدرس جهت تدریس و تعلیم معین نماید. جمیله خانم در همان ایام اتمام مسجد، وفات یافته و جنازه وی مدتی در همان مسجد به امانت

گذاشته بودند که بعدا به عتبات عالیات و در وادی السلام دفن کردند. (جمیله خانم در واقع نام مادر ذوالفقارخان اول که در دوره کریم خان زند برای وساطت به دربار شیراز رفته بود.) بعد از فوت قمرتاج خانم ارشد اولاد او مرحوم آقای احمد ذوالفقاری منیع الدوله متولی مسجد بودند که بعداز وی تولیت مسجد با فرزند ایشان آقای تقی ذوالفقاری است.^{۱۰}

ساختار و قفنامه مسجد خانم به تاریخ سنه ۱۳۲۶ هـ. ق

عبارت	ترتیب اجزای متن
هو الواقف علی الضمائر بسم اله الرحمن الرحیم	۱. بسمله
الحمد لله الحمد لله كما هواهله و كلما رام ملكه ولا حمد لاحد الا له الا له الامسى و الهكم الهو احد لاله الا هو على علوه و عم الا وه هو الله الواحد الاحد الورود السامع الصمد لا مدرک لسمواه ...	۲. دیباچه
علیا جاه مخدره محترمه نجیبه علیه عالیه زین المستورات تاج المخدرات العقیفه جمیله خانم صیبه طوبی مکان حسینقلی خان	۳. مشخصات کامل واقف
وقف موبد و حبس دائم مخلد فرمود خالصا لوجهه الکریم و استجلا بالنواله الجسیم	۴. اظهار صیغه
همگی و تمامی مساحت یک دانگ ملک از جمله دو دانگ مفروز از شش دانگ قریه سهرین من قراء زنجانرود	۵. موقوفه

عبارت	ترتیب اجزای متن
<p>علیا جاه المخدره المحترمه العلیه العالیه النجیبه تاج المخدرات قمر تاج خانم دامت عفتها صبیبه رضاقلی خان فخیم الدوله که بعد از متولیه محترمه (قمر تاج خانم دختر واقف) حرسها الله تعالی مفوض باورع و اصلح و اتقی لاولاد اوست و هكذا نسلا بعد نسل و بطنا بعد بطن اولاد ذکور مقوم بر اولاد اناث است</p>	<p>۶. متولی و انتخاب متولیان بعدی</p>
<p>در صورت انقراض العیان بالله یا عدم عدالت و صلاحیت ایشان در حال حیات خود شخص امین متدین عادل صالح را که شایسته و برازنده امر تولیت باشد نصب و تعیین نماید</p>	<p>۷. متولی در صورت انقراض نسل</p>
<p>فمن بدله بعد ما سمعه فانماثمه علی الذین یبدلونه</p>	<p>۸. انذار</p>
<p>وكان ذالك تحریرا و وقوعا فی ثانی و عشرين شهر محرم الحرام من شهور المنتظمه و فی سنه هزار و سیصد و بیست و شش هجری علی هاجرها الاف الثناء و تحف بالهندسه سنه ۱۳۲۶</p>	<p>۹. تاریخ تحریر</p>

پی‌نوشت‌ها:

۱. تاریخ خاندان خطیبی زنجان، ص ۱۵۲.
۲. طویت: نیت، اندیشه.
۳. غایت: مقصد، سرانجام.
۴. صوامع: صومعه، عبادتخانه، دیر.
۵. جبروت: قدرت و عظمت.
۶. فطانت: زیرکی و دانایی، زیرکی و باهوشی.
۷. حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به معنای کسی که مسجدی بنا کند هر چند به اندازه لانه مرغی باشد، خداوند در بهشت برای او خانه ای بنا خواهد کرد.
۸. طواحین: یا طاحونه به معنی آسیاب.
۹. رضاقلی خان فخیم الدوله فرزند میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله (از دیگر القاب ایشان وکیل الرعایا) بوده است از اعیان و سرکردگان محلی منطقه خمسه به شمار می‌رفت. از آنجایی که تنها فرزند ذکورش به نام تقی‌خان در دوران نوجوانی فوت کرده بود لذا همه دارایی‌هایش به تنها دخترش قمرتاج خانم ملقب به حجاب السلطنه به ارث رسید که فقط تعداد روستاهای تحت تملکش بیش از پنجاه روستا بود. قمر تاج خانم به عقد ازدواج حسینقلی‌خان منبع الدوله اسعدالدوله دوم درآمد و کل دارایی‌های مرحوم فخیم الدوله به خاندان ذوالفقاری منتقل گردید. لذا جمیله خانم همسر وی و قمرتاج خانم بخشی از اموال وی را جهت خیرات و

مبرات علی‌الخصوص احداث مسجد و مدرسه اختصاص دادند. بعدها به این جهت به مسجد خانم معروف گردید.
۱۰. با تشکر از آقای بهمن خطیبی که زندگی‌نامه جمیله خانم را در اختیار اینجانب قرار دادند.

منابع:

۱. تاریخ خاندان خطیبی زنجان، بهمن خطیبی، نشر دانش، ۱۳۹۱.
۲. درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، امید رضایی، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۰.
۳. شرح زندگانی دانشمندان و روات رجال لشگری و کشوری استان زنجان، کریم نیرومند، نشرعود، ۱۳۸۵.
۴. مقاله درآمدی بر موقوفات زنان، مهدی مهریزی، نشریه وقف میراث جاویدان، بهار ۸۹، شماره ۶۹.